

قالب الف - متن کرسی ترویجی:

۱- مشخصات ارائه دهنده (گان):

نام و نام خانوادگی:	سید امیر سخاوتیان
میزان تحصیلات:	دکتری
رشته تحصیلی:	الهیات
مرتبه علمی:	استادیار
نام و آدرس محل اشتغال:	دانشگاه آزاد اسلامی قم - قم - دانشگاه آزاد اسلامی قم
شماره تلفن:	۰۹۱۲۷۴۸۱۷۴۱
آدرس ایمیل:	sekhavatian@bou.ac.ir
شناسه ORCID:	۰۰۰۰-۰۰۰۲-۲۸۸۰-۲۴۵۷

۲- عنوان کرسی:

عنوان فارسی: شرط اذن امام و ولی فقیه در جهاد ابتدایی از دیدگاه فقه امامیه
عنوان انگلیسی: Current rationality on transcendental education in the hadith "The soldiers of reason and ignorance"
عنوان عربی: شرطیه الاذن الامام و ولی الفقیه فی الجهاد الابتدایی من منظور الفقه الامامی

۳- متن کرسی ترویجی: (آن دسته از ارائه دهندگان کرسی ترویجی یا دانشگاه یا موسسه‌ای که کرسی در آن برگزار می‌شود به

زبان غیرفارسی هستند، می‌توانند متن کرسی را به زبان اصلی ارائه دهند)

درآمد

جهاد در منظومه فکری و فقهی اسلام، از جایگاهی بنیادین برخوردار است و در میان ابواب فقهی، به‌عنوان یکی از ارکان احکام عبادی و اجتماعی دین شناخته می‌شود. این مفهوم، نه تنها در بعد ظاهری و نظامی خود، بلکه در لایه‌های عمیق‌تر معنوی، اخلاقی و تمدنی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت امت اسلامی داشته است. در قرآن کریم و سنت نبوی، جهاد نه به عنوان وسیله‌ای برای کشورگشایی و سلطه‌طلبی، بلکه به عنوان حرکتی در مسیر اقامه حق، عدل، و دعوت به توحید مطرح گردیده است. از دیدگاه مفسران و فقهای امامیه، جهاد دو گونه است: جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی. جهاد دفاعی به معنای مقابله با دشمنی است که به سرزمین یا جان مسلمانان حمله‌ور شده و بر همه‌ی مسلمانان واجب عینی است. اما جهاد ابتدایی که محور بحث حاضر است، جهادی است که مسلمانان خود آغازگر آن هستند؛ نه به قصد کشورگشایی، بلکه برای دعوت مردم به اسلام و رفع موانع هدایت و گسترش حق الهی در جامعه بشری. در واقع، هدف این نوع جهاد، بسط توحید، برقراری عدالت، و مقابله با نظام‌های ظلم و شرک است.

فقهای شیعه در تعریف و مشروعیت جهاد ابتدایی، بر اساس نصوص قرآنی و روایی، موضعی دقیق و منسجم دارند. اکثریت قاطع علمای امامیه، از جمله شیخ طوسی، علامه حلی، شهید ثانی و صاحب جواهر، بر این باورند که جهاد ابتدایی تنها در عصر حضور امام معصوم (علیه‌السلام) و با اذن او مشروع و واجب است. زیرا جهاد ابتدایی، از شئون حکومت الهی و ولایت امام است و بدون حضور امام معصوم یا نایب خاص او، مشروعیت شرعی ندارد. بدین معنا که در عصر غیبت، تا زمانی که امام معصوم (علیه‌السلام) ظهور نکرده، جهاد ابتدایی به عنوان جنگ تهاجمی با غیرمسلمانان برای دعوت به اسلام، جایز نیست. این نظر بر مبنای اصل «اذن امام» در فقه امامیه بنا شده است که از اصول حاکم بر باب جهاد به‌شمار می‌آید. با این حال، برخی از فقهای متأخر همچون آیت‌الله خویی، دایره‌ی مشروعیت جهاد ابتدایی را تا حدودی گسترده‌تر



بسمه تعالی

کمیته تخصصی فلسفه علم
از کمیته تخصصی فلسفه علم، تهران

دانسته و معتقدند در صورت تحقق شرایط خاص و وجود مصلحت اسلام، نایب عام امام نیز می‌تواند دستور جهاد ابتدایی را صادر کند. استدلال آنان بر این مبناست که هدف نهایی از جهاد، اقامه‌ی عدالت و بسط توحید است و در شرایطی که ظلم و استبداد مانع تحقق این اهداف گردد، حکم عقل و شرع بر ضرورت اقدام برای رفع آن تعلق می‌گیرد. تفاوت اساسی دیدگاه شیعه با اهل سنت در این است که فقهای اهل سنت، جهاد ابتدایی را حتی بدون حضور امام عادل نیز جایز، و گاه واجب کفایی می‌دانند؛ زیرا از نظر آنان، مشروعیت جهاد وابسته به وجود حکومت اسلامی به معنای سیاسی آن است نه حضور امام معصوم. در حالی که فقه امامیه جهاد ابتدایی را به عنوان «عبادت» تلقی می‌کند که نیازمند نیت قربت و اذن ولی الهی است و صرف مصلحت سیاسی یا قدرت نظامی، مجوز آغاز آن نیست. از این رو، جهاد ابتدایی در نگاه شیعه، نه ابزاری برای سلطه، بلکه حرکتی قدسی و الهی است که بدون پشتوانه‌ی ولایت مشروع، ماهیت خود را از دست می‌دهد. قرآن کریم، مراحل تشریع جهاد را به صورت تدریجی بیان می‌کند. در آغاز بعثت، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) مأمور به دعوت و ارشاد مردم بود و هیچ‌گونه اذن مقاتله‌ای نداشت. در سوره‌ی احزاب، خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُنِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا»؛ بدین‌سان، نخستین مرحله‌ی دعوت اسلامی بر گفت‌وگو، موعظه و صبر استوار بود. تنها پس از سال‌ها آزار و اذیت مشرکان و نقض پیمان‌هایشان، آیه‌ی «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظُلُمُوا» نازل شد که صرفاً اجازه‌ی دفاع می‌داد، نه امر به قتال. سپس در مرحله‌ی مدنی، پس از هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) به مدینه، بر وجوب جهاد دفاعی دلالت یافتند. از این سیر تاریخی می‌توان دریافت که جهاد در اسلام، در آغاز با منطق دعوت و اصلاح آغاز شد و تنها زمانی به قتال منتهی گردید که دشمن، مانع دعوت و گسترش حق گردید.

در منابع فقهی امامیه، اهداف جهاد ابتدایی با صراحت بیان شده است: نخست، ریشه‌کن ساختن فتنه و جلوگیری از فساد و توطئه علیه اسلام «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ»؛ دوم، حاکم ساختن دین الهی و اقامه‌ی نظام توحیدی در زمین «وَيَكُونَ الدِّينَ لِلَّهِ»؛ سوم، دفاع از مراکز عبادت و حفظ نهادهای توحیدی از نابودی «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْجَمَتْ صَوَامِعُ وَبُيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ چهارم، حفظ عزت و اقتدار اسلام، چنان‌که حضرت زهرا (س) فرمودند: «وَالْجِهَادُ عَزَا لِلْإِسْلَامِ»؛ و نهایتاً، اصلاح دین و دنیا، مطابق کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): «فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَّمَهُ وَ جَعَلَهُ نُصْرَةً لَهُ وَ اللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا قَطُّ وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِهِ»^۱. بنابراین، جهاد ابتدایی در فقه شیعه، نه حرکتی تهاجمی و خون‌ریزانه، بلکه ابزاری برای صیانت از ارزش‌های الهی و تحقق عدالت جهانی است.

با این تبیین، روشن می‌شود که اتهاماتی چون «اسلام دین جنگ است» یا «جهاد وسیله‌ی سلطه‌جویی است» ریشه در ناآگاهی از سیر تاریخی و فلسفه‌ی تشریع جهاد دارد. اسلام از آغاز، دین دعوت، هدایت و گفت‌وگو بود و تنها زمانی به جهاد امر کرد که راه هدایت بسته شد و حق و عدالت در معرض نابودی قرار گرفت. در حقیقت، جهاد ابتدایی از منظر شیعه، تلاشی است در جهت گشودن راه حق برای بشریت، نه تحمیل دین بر دیگران. از این رو، در عصر غیبت که امام معصوم حضور

^۱ احزاب، ۴۵ و ۴۶

^۲ حج، ۳۹

^۳ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَأَقَاتِلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ * (بقره، ۱۹۰-۱۹۱)

^۴ بقره، ۱۹۳ و انفال، ۳۹

^۵ همان آیات

^۶ حج، ۴۰

^۷ عبدالله بن نور الله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۹۱۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۰۷ و شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۸

^۸ الشيخ الكليني، الكافي، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸؛ علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۱۱۶؛ الشيخ المفيد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۵۱؛ الشيخ حرّ العاملي، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۱۵؛ فيض كاشانی، الوافي، ۱۴۰۶، ج ۱۵، ص ۴۹ و ضامن بن شدم، وقعة الجمل، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۱۶



ندارد، باب جهاد ابتدایی بسته است و تنها جهاد دفاعی، به عنوان وظیفه‌ای عقلانی و شرعی، بر عهده‌ی مسلمانان باقی می‌ماند.

جهاد ابتدایی در فقه امامیه

«جهاد ابتدایی» که گاهی از آن هم در نگاه شیعه و هم اهل سنت، به عنوان جهاد تهاجمی یاد می‌شود، معنایی خاص و حساس دارد: آغاز جنگ از سوی مسلمانان علیه کفار و مشرکان با هدف گسترش دین و ریشه‌کن ساختن شرک، آن‌هم در حالی که پیش از آن دشمن حمله یا تجاوزی مرتکب نشده و تنها امکان یا بیم حمله از جانب او مطرح است. این نوع جهاد، برخلاف جهاد دفاعی که واکنشی به تجاوز آشکار است، غایت و انگیزه‌های دعوتی و هدایتی دارد؛ به عبارت دیگر، جهاد ابتدایی در نگاه فقهی امامیه نوعی اقدام ساختار شده برای فراهم آوردن زمینه‌ی هدایت و اقامه‌ی دین قلمداد می‌شود، نه وسیله‌ای برای چیرگی و سلطه‌گری. برای فهم معنادار این مفهوم در بستر فقه امامیه لازم است سه محور تعهیم شود: نخست ماهیت و انگیزه‌ی جهاد ابتدایی، دوم شرایط و محدودیت‌های شرعی و اخلاقی آن، و سوم چارچوب نظری امامیه که مشروعیت چنین اقدامی را به ملاحظات ولایی و دعوتی پیوند می‌زند. این سه محور، در ترکیب با هم، تصویر روشنی از تفاوت جهاد ابتدایی با دیگر اشکال خشونت‌ورزی و نیز از موانع اخلاقی پیش‌بینی‌شده در سنت فقهی شیعه ارائه می‌دهند.

در سطح نظری، جهاد ابتدایی در فقه امامیه بیش از آنکه لحنی نظامی یا سیاسی صرف داشته باشد، حامل یک مأموریت دعوتی است. به‌طور مشخص، انگیزه‌ی اصلی این نوع جهاد «دعوت کفار به اسلام» توصیف شده است؛ دعوتی که اگرچه ممکن است از سازوکارهای غیرخشونت‌آمیز آغاز شود، اما در صورتی که دعوت و اقناع ثمربخش نباشد و دشمن مصراً از پذیرش یا از تعهدات مسالمت‌آمیز سر باز زند، امکان تبدیل شدن وضعیت به عرصه‌ی مقاتله فراهم می‌آید. وجه تمایز مهم در این معنا این است که جهاد ابتدایی در چشم‌انداز فقه امامیه «هدف هدایت» را بر «هدف تسلط» ترجیح می‌دهد؛ یعنی اگر جنگی آغاز گردد، مقصود از آن نه انتقام‌جویی یا گسترش امپراتوری، بلکه فراهم ساختن زمینه‌ای است که در آن یا دین پذیرفته شود یا ترتیباتی وضع گردد که از ستم و فساد جلوگیری کند. اما آنچه آموزه‌ی شیعی فقهی را متمایز می‌سازد، اتکای قوی آن بر قاعده‌ی ولایی و تاکید بر شرایط حقوقی و اخلاقی پیش از هر اقدام نظامی است. در سنت امامیه، یکی از قواعد بنیادین اینکه پیش از هر اقدامی برای جهاد ابتدایی باید «دعوت صریح و عقلانی» انجام شود و اقامه‌ی دلایل به‌مثابه مرحله‌ای الزامی تلقی می‌شود. این آموزه در روایتی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) به امام علی (علیه‌السلام) نسبت داده‌اند به‌روشنی بیان شده است: «يَا عَلِيُّ، لَا تُقَاتِلْ أَخْذًا حَتَّى تَدْعُوهُ، وَ اِيْمُ اللهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ، وَ لَكَ وَ لَأَوْهٖ يَا عَلِيُّ.»^۹ این سخن، دعوت را نه تنها شرطاً عملی معرفی می‌کند بلکه آن را فضیلت‌بارتر از پیروزی‌های مادی نشان می‌دهد؛ بدین ترتیب، جهاد زمانی مجاز می‌شود که راه‌های هدایتی کاملاً طی شده و شواهد و معجزات یا براهین متناسب اقامه شده باشد و طرف مخاطب همچنان در امتناع پایدار باقی بماند.

علاوه بر پیش‌شرط دعوت، فقه امامیه شروطی را برای شرکت در هر نوع جهاد مقرر می‌دارد که به‌مثابه‌ی معیارهای اخلاقی و عقلانی عمل می‌کنند. از میان مهم‌ترین این شرایط «بلوغ»، «عقل»، «آزادی» و «توان جسمی» ذکر شده است؛^{۱۰} یعنی شرکت‌کننده باید بالغ، عاقل، و حر بوده و از نظر جسمی قابلیت شرکت در میدان را داشته باشد. بر این اساس، نابینایان، کودکان، بیماران مزمن، افراد سالخورده و کسانی که نقص شدید جسمی دارند، از وجوب یا تکلیف شرکت معاف می‌شوند. این قیده‌ها نشان می‌دهد که فقه امامیه جهاد را نه به‌عنوان تکلیفی عام و بی‌تفاوت نسبت به شرایط فرد، بلکه به‌عنوان یک عمل سنجیده و مقید می‌نگرد که با ملاحظات انسانی و کرامت انسانی سازگار باشد.

چنین ساختار مقرراتی دو اثر مهم معرفتی و اخلاقی دارد: نخست اینکه جهاد ابتدایی در چارچوب امامیه محدود به مواردی می‌شود که واقعاً توجیه‌ها و مصلحت‌های دینی و انسانی ایجاد کند، و نه آنکه به‌راحتی و براساس انگیزه‌های سیاسی یا اقتصادی برپا گردد. دوم اینکه حساسیت بر شرط دعوت و اقامه‌ی دلیل، از تحمیل امر دینی جلوگیری می‌کند و نشان می‌دهد که مشروعیت نظامی تنها در پی ناکامی کامل ابزارهای مسالمت‌آمیز و در پرتو ضرورت‌های عینی برقرار می‌گردد. به‌طور مشخص، این رویکرد انتقادی به مفهوم جهاد را از گرایش‌های امپریالیستی متمایز می‌سازد. جهاد ابتدایی در فقه امامیه

^۹ احمدبن علی جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۵؛

^{۱۰} الشیخ الكلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۸؛ الشیخ حرّ العاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة،

۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۴۲؛ الشیخ الطوسی، تهذیب الأحکام، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۴۱؛ مسعود بن عیسی ورام، تنبیه

الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۷ و نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،

۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۰

^{۱۱} السید ابوالقاسم الموسوی الخوئی منهاج الصالحین، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۳ و ابن‌قدامة، المغنی، بی‌تا، ج ۱۰،

ص ۳۶۶-۳۶۷،

صرفاً مجوزی شرعی برای گشودن مسیر هدایت است، نه مجوزی برای تسلط سیاسی یا استحصال منابع. بنابراین، نقدی که اسلام را دین خشونت یا توسعه‌طلبی مطلق بخواند، با مطالعه‌ی دقیق اصول فقهی و اخلاقی شیعی قابل نقض است؛ زیرا فقه امامیه، نه تنها دعوت و مشروعیت‌جویی را مقدم می‌شمارد، بلکه محدودیت‌های مشخصی را برای کسانی که وارد عرصه‌ی قتال می‌شوند مقرر داشته است.

با این همه، پرسش‌های بی‌پاسخ یا محل اختلاف نیز وجود دارد؛ از جمله اینکه در زمان غیبت امام معصوم (علیه‌السلام): چه مرجعی می‌تواند اذن جهاد ابتدایی را صادر کند و یا آیا نمایان عام (فقه‌ها) می‌توانند به نام ولایت این اختیار را اعمال نمایند یا نه. این مباحث نشان می‌دهد که رابطه‌ی میان ولایت، مشروعیت سیاسی و جهاد، در فقه امامیه دارای ابعاد پیچیده و نیازمند تفصیل است؛ اما در سطح کلی، آموزه‌ای که از متن فقهی استخراج می‌شود تأکید بر مقدم بودن دعوت، لزوم اتمام حجت، رعایت کرامت انسانی و تنظیم قواعد مشارکت است.

جهاد ابتدایی، به عنوان یکی از شاخه‌های حساس و بنیادین فقه جهاد در اسلام، تنها با تحقق شرایطی خاص و بر پایه‌ی ارکانی معین مشروعیت می‌یابد. در فقه امامیه، جهاد نه حرکتی کور و هیجانی، بلکه نهادی الهی، منضبط و هدف‌دار است که در سایه‌ی ولایت و با رعایت دقیق ضوابط شرعی تحقق پیدا می‌کند. فقه‌های امامیه با نگاهی مبتنی بر اصول قرآن و سنت معصومین (علیهم‌السلام)، برای جهاد ابتدایی قیودی وضع کرده‌اند که مانع از هرگونه سوءاستفاده از مفهوم جهاد و انحراف آن از مسیر توحیدی و انسانی‌اش شود. از این منظر، هر اقدام نظامی در غیاب مشروعیت الهی و نیت خالص، نه تنها جهاد نیست، بلکه در حکم فساد فی الارض است. بنابراین، بحث از شرایط و ارکان جهاد ابتدایی در فقه امامیه، در واقع سخن از مرز میان «حرکت الهی» و «تجاوز انسانی» است؛ مرزی که تنها در پرتو حضور امام عادل، نیت الهی، و رعایت اصول دعوت و عدالت روشن می‌شود. فقه امامیه، به دلیل پیوند ذاتی میان مفهوم «جهاد» و نهاد «ولایت»، آغاز هرگونه جهاد ابتدایی را منوط به حضور و فرمان امام معصوم (علیه‌السلام) یا منصوب خاص او دانسته است. این شرط، نه صرفاً یک حکم فقهی جزئی، بلکه بیانگر ساختار سیاسی و الهی حکومت اسلامی از دیدگاه شیعه است؛ زیرا امام، محور تشریع، تبیین و اجرای احکام الهی است، و بدون او، هرگونه اقدام جمعی به نام دین، در معرض انحراف و ظلم قرار می‌گیرد. شیخ طوسی در کتاب النهایه می‌نویسد: «و هي أن يكون الإمام العادل الذي لا يجوز لهم القتال إلا بأمره ولا يسوغ لهم الجهاد من دونه ظاهراً، أو يكون من نصبه الإمام للقيام بأمر المسلمين حاضراً، ثم يدعوهم إلى الجهاد، فيجب عليهم حينئذ القيام به».^{۱۲} این سخن، نه تنها دلالت بر شرط حضور امام دارد، بلکه نشان می‌دهد جهاد ابتدایی در فقه امامیه یک نهاد ولایت‌محور است؛ به گونه‌ای که ابتکار آن در اختیار فرد یا گروهی خارج از سلسله‌ی امامت نیست. اما آنچه از «و أيكون من نصبه الإمام للقيام بأمر المسلمين حاضراً» دلالت بر نصب خاص داشته و شامل نصب عام نمی‌گردد. شهید ثانی نیز در شرح لمعه، ضمن تأکید بر این مبنا، می‌نویسد: «و إنما يجب الجهاد بشرط الإمام العادل أو نائبه الخاص و هو المنصوب للجهاد أو لما هو أعم أما العام كالفقيه فلا يجوز له توليه حال الغيبة»^{۱۳} به بیان دیگر، حتی فقیه جامع‌الشرایط که در عصر غیبت از سوی امام به‌طور عام ولایت بر امور مسلمین دارد، مجاز به آغاز جنگ ابتدایی نیست؛ زیرا جهاد تهاجمی از شئون خاص امامت و حکومت معصوم است. البته به مسئله جواز یا عدم جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبت، بعداً به صورت تفصیلی پرداخته خواهد شد و نظر مختار بر آن است که جهاد ابتدایی در عصر غیبت با اذن ولی فقیه یا همان نائب عام نیز جایز است.

اقوال فقهاء در باب جهاد ابتدایی

مسئله‌ی جهاد ابتدایی یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث فقهی در میان فقه‌های امامیه است؛ زیرا از سویی، جهاد به عنوان یکی از فروع دین، واجب شرعی محسوب می‌شود، و از سوی دیگر، به دلیل حساسیت آن در ارتباط با جان انسان‌ها، نظم جامعه و مصالح امت اسلامی، همواره در دایره‌ی احتیاط فقهی قرار گرفته است. به همین سبب، فقها در طول قرون، از عصر ائمه تا دوره‌ی معاصر، تلاش کرده‌اند میان وجوب نصوصی و محدودیت عملی آن توازن برقرار کنند. در بررسی دیدگاه‌ها، می‌توان گفت که اختلاف نظر، نه بر سر اصل مشروعیت جهاد ابتدایی، بلکه درباره‌ی شرایط اجرا و حدود اختیارات در عصر غیبت است. فقیهان امامیه را می‌توان در سه دسته‌ی اصلی جای داد که هرکدام از مبانی خاصی در تفسیر «اذن امام»، «ولایت فقیه»، و «مصلحت امت» بهره گرفته‌اند.

دیدگاه نخست: عدم جواز مطلق

این دیدگاه، که از کهن‌ترین و مشهورترین نظریات در فقه امامیه است، جهاد ابتدایی را در عصر غیبت به‌طور کامل غیرجایز می‌داند و آن را از اختیارات اختصاصی امام معصوم (علیه‌السلام) می‌شمارد. از آن جمله:

^{۱۲} الشیخ الطوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۹۰

^{۱۳} الشهید الثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، المحشی سلطان العلماء، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۷

۱. برخی از اقوال علماء

شیخ طوسی می‌گوید: «و من وجب علیه الجهاد إنما يجب عليه عند شروط و هي أن يكون الإمام العادل الذي لا يجوز لهم القتال إلا بأمره و لا يسوغ لهم الجهاد من دونه ظاهراً أو يكون من نصبه الإمام للقيام بأمر المسلمين حاضراً ثم يدعوهم إلى الجهاد فيجب عليهم حينئذ القيام به و متى لم يكن الإمام ظاهراً و لا من نصبه الإمام حاضراً لم يجز مجاهدة العدو و الجهاد مع أئمة الجور أو من غير إمام خطأ يستحق فاعله به الإثم». مُراد از «الإمام العادل» به قرینه عبارت: «لا يسوغ لهم الجهاد من دونه ظاهراً»، امام معصوم است؛ چون او گاهی ظاهر و گاهی غایب است. بنابراین حضور و اذن امام معصوم برای جهاد ابتدایی شرط است. اما این عبارت شیخ به قرینه «و هو يكون من نصبه الإمام للقيام بأمر المسلمين حاضراً...»، ظهور در نائب عام داشته و اختصاص به منصوب خاص نداشته باشد و فقیه عادل در عصر غیبت را نیز شامل شود و قید «حاضراً» قرینه‌ای بر بسط ید شخص منصوب یعنی نائب امام علیه السلام اعم از عام و خاص می‌باشد. اگرچه برخی از بزرگان بر این عبارت مرحوم شیخ طوسی بر عدم جواز استدلال نموده‌اند، اما ظهور آن بر جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبت به اذن نائب عام است. با توجه به تأخر نگارش کتاب المبسوط بر کتاب النهایه، می‌توان نظر نهایی او را در کتاب المبسوط جستجو نمود. شیخ طوسی در مبسوط می‌نویسد: «إذا اجتمعت الشروط التي ذكرناها فيمن يجب عليه الجهاد فلا يجب عليه أن يجاهد إلا بأن يكون هناك إمام عادل أو من نصبه الإمام للجهاد، ثم يدعوهم إلى الجهاد فيجب حينئذ على من ذكرناه و متى لم يكن الإمام و لا من نصبه الإمام سقط الوجوب بل لا يحسن فعله أصلاً... و الجهاد مع أئمة الجور أو من غير إمام أصلاً خطأ قبيح». گه دلالت بر نظر خاص ایشان یعنی عدم جواز دارد.

قاضی ابن براج در المذهب می‌گوید: «إنما ذكرنا أن يكون مأموراً بالجهاد من قبل الإمام أو من نصبه لأنه متى لم يكن واحداً منهما لم يجز له الخروج إلى الجهاد... و الجهاد مع أئمة الكفر و مع غير إمام أصلي أو من نصبه قبيح». ^{۱۶} حلبی در اشاره السبق می‌گوید: «مع أمر إمام الأصل به أو من نصبه و جرى مجراه... فبتكاملها يجب و بارتفاعها أو الإخلال بشرط منها يسقط». ^{۱۷} همچنین یحیی بن سعید حلّی در الجامع للشرایع می‌گوید: «وجوبه على... بشرط حضور إمام الأصل داعياً إليه أو من يؤمّره و هو محرم من دون إذن». ^{۱۸} همچنین شهید ثانی در «شرح لمعه» می‌گوید: «و إنما يجب الجهاد بشرط الإمام العادل أو نائبه الخاص و هو المنصوب للجهاد أو لما هو أعم أما العام كالفقيه فلا يجوز له توليه حال الغيبة». ^{۱۹} همچنین صاحب ریاض می‌گوید: «و إنما يجب الجهاد بالمعنى الأول - على من استجمع الشروط المزبورة - مع وجود الإمام العادل و هو المعصوم (عليه السلام) أو من نصبه لذلك أي النائب الخاص و هو المنصوب للجهاد أو لما هو أعم، أما العام كالفقيه فلا يجوز له و لامعه حال الغيبة بلا خلاف أعلمه كما هو ظاهراً لمنتهى و صريح الغنية إلا من أحمد كما في الأول و ظاهرهما الإجماع». ^{۲۰}

شیخ جعفر کاشف الغطاء در کشف الغطاء در بحث از تفاوت‌های جهاد ابتدایی با اقسام دیگر جهاد دفاعی می‌گوید: «أحدها: أنه يشترط في الجهاد بالمعنى الأخير - و هو ما أريد به الجلب إلى الاسلام - حضور الإمام أو نائبه الخاص دون العام... خامسها: جهاد الكفر و التوجه إلى محالهم للردّ إلى الإسلام و الإذعان بما أتى به النبيّ الأُمّي المبعوث من عند الملك العالم - عليه و آله افضل الصلاة و السلام - و هذا المقام من خواص النبيّ و الإمام و المنصوب الخاص منهما دون العام». ^{۲۱} میرزای قمی نیز در جامع الشتات می‌نویسد: «جهاد با كفار مشروط است به امام یا نایب خاص او و در صورت غیبت امام جهاد واجب، بلکه جایز هم نیست». ^{۲۲} همچنین امام خمینی (ره) در عصر غیبت، فقیهان جامع شرایط را در مناصب سیاسی و مانند آن جانشین امام معصوم (علیه السلام) می‌شمارد؛ اما دعوت به جهاد ابتدایی را از محدوده اختیارات فقیه خارج می‌داند. لذا در کتاب تحریر الوسيلة می‌فرماید: «في عصر غيبة وليّ الأمر و سلطان العصر - عجل الله فرجه الشريف - يقوم نوابه العامة و هم الفقهاء الجامعون لشرائط الفتوى و القضاء، مقامه في إجراء السياسات و سائر ما للإمام عليه السلام إلا البدأة بالجهاد». ^{۲۳} البته در توضیح المسائل محشی نکته‌ای دیگر دارد که در جای خود بیان خواهد شد.

۲. دلیل عدم جواز:

چنانکه قبلاً بیان شد و با توجه به «الفقيه لا يتصرف في ما هو من خصائص النبيّ و الأئمة (عليهم السلام)»، إلا فيما ورد فيه نصّ خاص بالتفويض»، دلیل عدم جواز را می‌توان در دلیل عقلی انحصار وظایف و شئون امامت در امام معصوم دانست و هر آنچه که با دلیل به نائب خاص یا عام انتقال یابد، در نائب نیز وجود دارد. هنگامی که در انتقال شأن صدور حکم به جهاد ابتدایی از امام معصوم به نائب عام شک شود، اصل عدم انتقال این شأن است و در نتیجه اکتفاء به قدر متیقن یعنی عدم جواز صدور فرمان به جهاد ابتدایی در عصر غیبت است. از این رو؛ جهاد ابتدایی نیازمند عصمت و علم کامل به مصالح و مفساد است. چون در جهاد پای جان انسان‌ها و نظم جوامع در میان است، تصمیم درباره‌ی آن باید از سوی کسی صادر شود که مصون از خطا و هوا باشد. در نتیجه، فقیه در عصر غیبت، هرچند دارای ولایت فقهی است، اما ولایت او در محدوده‌ی اجرای احکام الهی و حفظ نظم دینی است، نه در قلمرو اختیارات تشریعی و تکوینی پیامبر و امامان. لذا عده‌ای از فقها جهاد



ابتدایی را مشروط به اذن امام معصوم یا نمایندگان منصوب او می‌دانند. این دیدگاه، مبنی بر اصول کلی فقهی و روایات مختلفی است که به نقش ویژه امام معصوم و ولی فقیه در تعیین اقدامات جنگی و جهادی پرداخته‌اند. از این رو؛ مهمترین استدلال منکرین جهاد ابتدایی، بیان این است که جهاد ابتدایی تنها با دستور و فرمان امام معصوم یا نمایندگان او مجاز است. شیخ طوسی در کتاب «نهایه» اشاره می‌کند که جهاد ابتدایی تنها زمانی جایز است که امام معصوم یا نماینده او برای سرپرستی امور مسلمانان و دعوت به جهاد حضور داشته باشد. وی تصریح می‌کند که بدون حضور امام معصوم یا نماینده منصوب او، جهاد ابتدایی جایز نیست و حتی در صورت وقوع جنگ، شرکت در آن گناه محسوب می‌شود. به همین ترتیب، قاضی ابن براج در کتاب «مهدب» جهاد ابتدایی را مشروط به دستور امام معصوم یا کسی که امام معصوم او را برای جهاد نصب کرده است می‌داند. از نظر او، بدون اذن امام معصوم یا منصوب او، جهاد ابتدایی به هیچ عنوان جایز نیست. علاوه بر این، برخی از فقهای دیگر نیز تأکید دارند که جهاد ابتدایی باید در زمان حضور امام معصوم انجام گیرد. محمد بن علی بن حمزه طوسی در کتاب «وسيله» و محمد بن ادریس حلی در «سرائر» جهاد ابتدایی را تنها با اذن امام معصوم یا نماینده او مجاز می‌دانند. آنها بر این باورند که بدون فرمان امام معصوم یا نایب او، جهاد ابتدایی نه تنها جایز نیست بلکه ممکن است موجب گناه شود.

همچنین، برخی فقها مانند محقق حلی در کتاب «شرایع» نیز تأکید دارند که در زمان غیبت امام معصوم، جهاد ابتدایی تنها با اذن امام یا نماینده منصوب او مجاز است. وی در همین راستا اشاره می‌کند که مرابطه و آماده باش برای جهاد، حتی در زمان غیبت امام، ممکن است انجام گیرد اما جهاد در کنار حاکمان جور و بدون اذن امام معصوم به هیچ عنوان جایز نیست. به علاوه، این دیدگاه‌ها بر این باورند که جهاد ابتدایی در حقیقت نوعی فراخواندن مردم به سمت جهاد است که نیازمند هدایت و رهبری ویژه‌ای است که تنها از جانب امام معصوم یا منصوب او امکان‌پذیر است. در غیبت امام معصوم، حتی اگر فقیه در مقام ولی فقیه به سرپرستی امور مسلمانان بپردازد، این اقدام به طور دقیق همانند عملکرد امام معصوم در زمان حضور او نیست و باید به‌طور خاص به دستور امام معصوم یا نماینده او انجام شود.

نکته مهم دیگر، بحث ارتباط جهاد ابتدایی با اصول دفاع از اسلام و مسلمانان است. فقها تصریح می‌کنند که جهاد ابتدایی، که در حقیقت حمله به کفار است، باید تنها در صورتی انجام گیرد که تهدیدی جدی برای اسلام و مسلمانان وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، جهاد ابتدایی نمی‌تواند به‌صورت خودسرانه و بدون پیروی از دستورات الهی و رهبری امام معصوم آغاز شود. در واقع، منکرین جهاد ابتدایی معتقدند که تنها امام معصوم یا نماینده مشروع اوست که می‌تواند این تهدیدات را تشخیص داده و دستور جهاد ابتدایی را صادر کند.

در نهایت، استدلال‌های منکرین جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام معصوم به وضوح به این نکته اشاره دارند که برای جلوگیری از سوء استفاده از مفهوم جهاد و نیز حفظ اصول اسلامی، تنها امام معصوم یا نمایندگان منصوب او حق دارند جهاد ابتدایی را مجاز بدانند. این دیدگاه بر اساس تأکیدات فقهی و روایات معتبر شیعه به‌ویژه در باب «جهاد»، پیریزی شده است و بر این اساس، جهاد ابتدایی تنها در زمان حضور امام معصوم و تحت نظر او می‌تواند مشروع باشد.

دیدگاه دوم: جواز مشروط به مصالح و نیابت فقیه

دسته‌ی دوم از فقها، گرایش میان‌روتری دارند. آنان ضمن پذیرش اصل شرط اذن امام، معتقدند در عصر غیبت، فقیه جامع‌الشرایط به‌عنوان نایب عام امام معصوم (علیه‌السلام) می‌تواند در شرایطی خاص، حکم به جهاد ابتدایی دهد، مشروط بر آنکه مصلحت قطعی اسلام و امت اقتضا کند. نمایندگان برجسته‌ی این دیدگاه عبارت‌اند از شیخ طوسی، آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی، محمد مؤمن قمی، و گروهی از شاگردان مکتب نجف. البته فتوای امام خمینی در رساله توضیح المسائل نیز در این

^{۱۴} الشیخ الطوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۵.

^{۱۵} المیسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۵۴۱ و ۵۴۲، چاپ جامعه مدرسین.

^{۱۶} الینابیع الفقهیه، ج ۳۱، ص ۸۰.

^{۱۷} الینابیع الفقهیه، ج ۳۱، ص ۱۹۵.

^{۱۸} همان، ص ۲۳۳.

^{۱۹} شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، ۲۱۷.

^{۲۰} سید علی طباطبایی ریاض المسائل، ج ۷، ص ۴۴۶- ۴۴۷.

^{۲۱} کشف الغطاء، ج ۴، ص ۲۹۰.

^{۲۲} همان، ج ۴، ص ۲۸۹.

^{۲۳} جامع الشتات، ج ۱، ص ۴۰۲.

^{۲۴} الامام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۵۹.

زمره قرار دارد. این گروه بر قاعده‌ی «ولایت عامه فقیه» تکیه می‌کنند و معتقدند بسیاری از وظایف امام، در زمان غیبت به فقیه عادل منتقل می‌شود. از آن جمله:

۱. برخی از اقوال علماء

آیت‌الله العظمی خوئی (ره) در منهاج الصالحین همین معنا را تأکید می‌کند و می‌گوید: «و هو أنَّ علی الفقیه أن یشاور فی هذا الأمر المهم أهل الخبرة و البصيرة من المسلمين حتی یطمئن بأنّ لدى المسلمين من العدة و العدد ما یکفی للغلبة علی الکفار الحربیین، و بما أنَّ عملیة هذا الأمر المهم فی الخارج بحاجة إلی قائد و أمر یرى المسلمین نفوذ أمره علیهم، فلا محالة یتعیّن ذلك فی الفقیه الجامع للشرائط، فإنّه یتصدّى لتنفیذ هذا الأمر المهم من باب الحسبة علی أساس أنّ تصدّى غیره لذلك یوجب الهرج و المرج و یؤدّي إلی عدم تنفیذه بشكل مطلوب و کامل.»^{۲۵} در این حالت فقیه پس از مشورت با اهل خبره و بررسی مصالح می‌تواند فرمان به جهاد ابتدایی دهد.

همچنین امام خمینی (ره) نیز در رساله توضیح المسائل می‌فرماید: «بعید نیست که حکم به جهاد ابتدایی توسط فقیه جامع الشرایطی که متصدی ولایت امر مسلمین است، در صورتی که مصلحت آن را اقتضا کند، جایز باشد، بلکه این نظر اقوی است.» با توجه به تأخر این فتوا از امام خمینی (ره) نسبت به تحریر الوسیله، می‌توان نظر امام را در جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبت به شرط حضور ولی فقیه و وجود مصلحت دانست. مشابه این دیدگاه در رساله آموزشی امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) نیز آمده است که می‌فرماید: «جهاد ابتدایی اختصاص به زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) و امام معصوم (علیه‌السلام) ندارد و فقیه جامع‌الشرائطی که متصدی ولایت امر مسلمین است در صورت وجود مصلحت می‌تواند حکم به جهاد ابتدایی کند.»

۲. دلایل جواز دسته دوم

فقه‌ای این دسته می‌گویند که از منظر قرآن کریم، آیات جهاد مانند سوره مبارکه توبه آیه شریف ۱۲۳ و همچنین سوره مبارکه بقره آیه شریف ۱۹۰، مطلق بوده و شامل عصر غیبت نیز می‌گردد. در بیان اطلاق باید گفت که در این آیات، قید حضور امام معصوم یا نائب خاص آن وجود ندارد و اطلاق آن شامل نائب عام و ولی فقیه نیز می‌گردد. در نتیجه هرگاه مصلحت نظام و جامعه اسلامی اقتضاء نماید، ولی فقیه می‌تواند فرمان به جهاد ابتدایی صادر نماید. در نتیجه، این گروه بر آن‌اند که فقیه عادل، با تشخیص مصلحت و در مقام ولایت، می‌تواند جهاد ابتدایی را فرمان دهد، هرچند در عمل، باید با احتیاط و هماهنگی دیگر فقها انجام شود.

واژه‌ی «مصلحت» در این دیدگاه، نقشی کلیدی دارد. منظور، صرفاً منافع سیاسی نیست، بلکه مصلحت دینی و اجتماعی امت است. فقیه تنها زمانی مجاز به اعلان جهاد است که احراز کند دشمنان در حال گسترش فتنه، تهاجم فرهنگی یا تضعیف اساس دین‌اند. این نظریه، ضمن آنکه وفادار به سنت امامیه در شرط ولایت است، نوعی پویایی در فقه حکومتی ایجاد می‌کند؛ زیرا فقیه را قادر می‌سازد در شرایط استثنایی و اقتضای مصالح نظام و جامعه اسلامی فرمان به جهاد ابتدایی دهد.

دیدگاه سوم: وجوب عام بدون اذن خاص امام

در این مجال، دیدگاه سومی نیز قابل تصور است که جهاد ابتدایی را واجب کفایی مطلق می‌دانند و شرط اذن امام یا فقیه را در آن دخیل نمی‌دانند. این گروه در اقلیت قرار دارند، اما رویکرد آنان از منظر روش‌شناسی فقهی قابل تأمل است. در این دیدگاه می‌توان به اطلاقات آیات قرآن کریم استناد نمود. زیرا همه این آیات مطلق بوده و قید حضور امام یا نائب امام در آن وجود ندارد. پس حتی در فرض عدم حضور امام معصوم و نائب او می‌توان به جهاد ابتدایی پرداخت. از نگاه این دیدگاه، جهاد ابتدایی یک وظیفه‌ی مستمر است برای جلوگیری از سلطه‌ی ظلم و شرک بر زمین. همان‌گونه که امر به معروف و نهی از منکر به زمان و شخص خاصی محدود نیست،^{۲۶} جهاد ابتدایی نیز به حضور امام یا فقیه وابسته نیست، بلکه تکلیف جمعی امت است.

در نقد این دیدگاه باید گفت که جهاد یک امر اجتماعی است و نیازمند اذن حاکم عادل است. به عبارتی؛ قرینه عقلی دلالت بر تقیید اطلاقات بر فرض حضور امام معصوم یا نائب او اعم از نائب عام یا خاص دارد. لذا حذف شرط اذن امام یا نائب او، اولاً با این قید منافات دارد، ثانیاً به معنای بی‌نظمی در اعمال قدرت دینی است و ممکن است راه را برای جنگ‌های خودسرانه باز کند. اگرچه برخی آن را با وجود مصلحت ممکن است توجیه نمایند، اما این مصالح جزئی با مصلحت اقوی یعنی حفظ نظام اجتماعی منافات داشته و سبب شیوع هرج و مرج در جامعه اسلامی خواهد شد.

^{۲۵} السید ابوالقاسم الموسوي الخوئي منهاج الصالحين، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۶۶

^{۲۶} محمد خیر هیکل، الجهاد و القتال فی السیاسة الشرعیة، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۶-۴۷

تحلیل تطبیقی و جمع‌بندی سه دیدگاه

با مرور سه دیدگاه فوق، می‌توان گفت که فقه امامیه در مسئله‌ی جهاد ابتدایی، از سویی بر اصالت نصوص قرآنی و وجوب این فریضه تأکید دارد، و از سوی دیگر، به‌شدت نگران انحراف و سوءاستفاده از آن است. این دو دغدغه، سه تفسیر متفاوت از رابطه‌ی میان «جهاد» و «ولایت» پدید آورده است:

۱	عدم جواز مطلق (احتیاطی)	علامه حلی، شهید ثانی، امام خمینی (ره) در تحریر	جواز جهاد ابتدایی فقط با امام معصوم	تأکید بر عصمت، عدالت مطلق و احتیاط خون
۲	جواز مشروط (فقیه جامع‌الشرایط)	شیخ طوسی، خوئی، محمد مؤمن، امام خمینی (ره) در رساله توضیح المسائل، امام خامنه‌ای	جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبت با اذن ولی فقیه و وجود مصلحت	مبتهی بر ولایت عامه فقیه و قاعده‌ی مصلحت
۳	وجوب عام (بدون اذن خاص)	این یک دیدگاه فرضی است	وجوب کفائی جهاد ابتدائی مطلقاً	تأکید بر اطلاق آیات جهاد و عقل عملی امت.

نظر مختار در باب جهاد ابتدائی در عصر غیبت

پس از بررسی تفصیلی سه دیدگاه مطرح‌شده در این زمینه و آکایه‌ی هر یک، نتیجه‌ی حاصل تأییدکننده‌ی دیدگاه مختار مبنی بر جواز جهاد ابتدایی در دوران غیبت است. این دیدگاه بر آن است که مشروعیت اقدام به جهاد ابتدایی در عصر غیبت منوط به حصول شرایطی خاص است؛ بدین معنا که چنین جهادی تنها در صورتی از منظر شرعی مجاز خواهد بود که نائب عام امام معصوم (علیه‌السلام) حضور داشته و از اقتدار و اختیارات کامل برخوردار باشد و همچنین وجود مصلحت در انجام آن احراز گردد. به بیان دیگر، دیدگاه مختار تأکید دارد که در صورت حضور نائب عام امام معصوم (علیه‌السلام) با بسط ید کامل و تشخیص مصلحت مقتضی، می‌توان جهاد ابتدایی را در عصر غیبت به عنوان امری مشروع پذیرفت. دلایل آن نیز عبارتند از:

۱. تفویض مسئولیت جهاد به فقهای شیعه

یکی از مهمترین دلایل به جواز جهاد ابتدایی، نظریه تفویض مسئولیت‌های حکومتی از سوی امام معصوم (علیه‌السلام) به فقهای شیعه است. شیخ مفید، یکی از بزرگان فقه شیعه، در آثار خود تصریح کرده است که امامان معصوم وظیفه اداره جامعه اسلامی را به فقهای شیعه تفویض کرده‌اند. در این دیدگاه، جهاد ابتدایی از جمله مسئولیت‌هایی است که امام معصوم در صورت حضور خود بر عهده می‌گیرد و در زمان غیبت، این مسئولیت به فقیه عادل منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، اگر فقیه عادل بتواند شرایط جهاد را فراهم کند، مجاز است که جهاد ابتدایی را با کفار آغاز کند.

۲. حاکم اسلامی به عنوان جانشین امام معصوم

یکی دیگر از دلایل اصلی جواز جهاد ابتدایی، این است که حاکم اسلامی به عنوان جانشین امام معصوم شناخته می‌شود. در نظر این گروه، فقیه که از جانب امام معصوم منصوب است، همانند امام می‌تواند به عنوان جانشین او عمل کند و در غیبت امام، وظیفه رهبری و هدایت جامعه اسلامی را بر عهده گیرد. بنابراین، اگر فقیه به‌عنوان حاکم اسلامی در رأس یک دولت اسلامی قرار گیرد، می‌تواند بر اساس ضرورت‌های اجتماعی، جنگ با کفار را آغاز کند. این مفهوم به‌ویژه در زمان غیبت امام معصوم اهمیت پیدا می‌کند، چرا که در این دوران، فقیه به عنوان نایب امام معصوم وظیفه برقراری نظم و دفاع از کیان اسلام را به عهده دارد. این نظریه از اصول بنیادی فقه شیعه است که در آن امام معصوم به‌عنوان ولی فقیه شناخته می‌شود و تمامی اختیارات سیاسی و اجتماعی از جمله جهاد ابتدایی به او تفویض شده است.

در نهایت، دلایل قائلین به جواز جهاد ابتدایی در فقه شیعه بر اساس تفویض مسئولیت‌های حکومتی به فقها در زمان غیبت امام معصوم، توانایی فقیه در انجام این مسئولیت‌ها، و اصل «ولایت فقیه» استوار است. این دیدگاه‌ها تأکید دارند که در صورت فراهم بودن شرایط، فقیه می‌تواند جهاد ابتدایی را آغاز کند و این امر نه تنها از نظر فقهی بلکه از منظر دفاع از

اسلام و جامعه اسلامی ضروری است. به این ترتیب، جهاد ابتدایی در فقه شیعه به عنوان یک وظیفه حکومتی و دینی شناخته می‌شود که در زمان غیبت امام معصوم نیز می‌تواند توسط فقیه به انجام برسد.

۱-۳ شرح موضوع: بطور دقیق و علمی شرح داده شود

مفهوم جهاد از صدر اسلام تاکنون، همچنان محوریت خود را حفظ کرده ولی شیوه‌ها و شرایط آن تغییراتی یافته است. در دوره پیامبر اکرم (ص) و خلفای نخست، فتوحات نظامی گسترده‌ای صورت گرفت تا قلمرو اسلام گسترش یابد و امنیت مسلمانان تأمین شود؛ با این حال، بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام ماهیتی دفاعی داشت. به عبارت دیگر، غالب جنگ‌ها زمانی رخ داد که مشرکان و دشمنان حمله یا تهدید کرده بودند و پیامبر اکرم و مسلمانان اقدام به دفاع کردند. پس از رحلت پیامبر، سه خلیفه نخستین نیز فتوحات متعددی در شام، عراق، مصر و فارس انجام دادند. در سده‌های بعد، با تثبیت حکومت اموی و عباسی، جنگ‌های سلفی به نسبت کاهش یافت و مفهوم جهاد بیشتر در قالب حفظ حدود اسلامی و انتشار دعوت دینی معنی شد. در دوره امامان معصوم شیعه، چون آن حضرات خود حکومت زمامدار نداشتند، اغلب جنگ‌ها به فتوحات حاکمان سنی منتسب شده است. پس از غیبت امام زمان (عج)، فقهای شیعه به این نتیجه رسیدند که «جهاد ابتدایی» بدون اذن امام معصوم مجاز نیست؛ تا جایی که فقهای قبل از انقلاب اسلامی مشهوراً بر این نظر بودند که جهاد آغازگر بدون اجازه صریح امام (عج) جایز نیست با ظهور انقلاب اسلامی و بویژه در دوران دفاع مقدس، فرهنگ جهاد و ایثار بار دیگر شکوفا شد. تحول قابل توجه آن بود که مباحثی چون جهاد سیاسی، رسانه‌ای و مقابله با استکبار در ادبیات فقهی شیعه احیا گردید. امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب اسلامی، تبیین فقه حکومتی و نیاز به بازخوانی باب جهاد در شرایط جدید را مورد تأکید قرار دادند؛ از همین رو است که پس از انقلاب تحولی در این عرصه به وجود آمد و باعث احیای فقه حکومتی و خیلی از مباحث فقهی گردید که قبلاً مهجور واقع شده بودند. در عصر حاضر نیز با پیدایش پدیده‌های نوین، همچون جنگ‌های نامتقارن، نبرد در فضای سایبری و تهدیدات فراملی، فهم فقهی جهاد نیازمند بررسی‌های تاریخی و بازخوانی مستمر است.

فقه جهاد در هر دو مذهب شیعه و سنی موضوعات مشترک فراوانی دارد ولی تفاوت‌های نظری و عملی نیز پدید آمده است. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو مذهب در شریعت اسلامی به حکم جهاد اهمیت داده‌اند، اما «جهاد ابتدایی» میان اهل سنت دارای طرفداران بیشتری در زمان حضور پیامبر (ص) بود و میان شیعیان نیز گرچه غیرمشهور است، ولی دارای پشتوانه فکری حتی در زمان ولایت مطلقه فقیه است. از منظر اهل سنت، جهاد یک عبادت بزرگ است و در فقه‌شان معمولاً جهاد ابتدایی و دفاعی را از نظر حکم فرقی نمی‌دهند؛ به گونه‌ای که جهاد در هر دو حالت و با شرایط لازم فریضه تلقی می‌شود. در فقه امامیه نیز جهاد امر مهمی است، اما به «مشروعیت و اعتبار» آن نسبت به زمان فعالیت امام معصوم وابستگی بیشتری قائل بوده‌اند. یکی از بارزترین تفاوت‌ها در مسئله «ولایت در اعلام جهاد ابتدایی» است. بر اساس آراء مشهور در فقه شیعه،

بدون حضور امام معصوم یا ولی فقیه معصوم، انجام جهاد ابتدایی مشروع و واجب نیست. در مقابل، در نظام فکری سنتی اهل سنت، مشروعیت جهاد غالباً به قلمرو دولت اسلامی یا خلیفه وابسته است. از سوی دیگر، برخی تمایزات جزئی دیگر نیز وجود دارد؛ برای مثال، نحو اخذ جزیه از اهل کتاب در فقه امامیه و سنی متفاوت بیان شده است. به طور کلی می‌توان گفت که مبانی مشترکی چون اهمیت جهاد به عنوان فریضه و تقسیم آن به دو دسته دفاعی و ابتدایی میان علمای هر دو مذهب پذیرفته شده، ولی تطبیق قواعد جهاد در شرایط معاصر و نحوه «تصمیم‌گیری» بر عهده گرفتن جهاد، به‌ویژه در مذهب امامیه مبتنی بر نظریه ولایت امام و فقیه است که در مذاهب اهل سنت به شکل دیگری مطرح می‌شود.

۲-۳ سوابق دانشی: تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟

منابع اصیل در استنباط‌های فقهی شیعه و سنی به آن دسته از منابعی گفته می‌شود که در اصطلاح فقهی به کتاب و سنت شهرت دارند. نخستین منبع که کتاب نامیده می‌شود، همان قرآن کریم است. قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع احکام جهاد، آیات متعدد مرتبط با جهاد (اعم از جهاد ابتدایی، دفاعی، جهاد با نفس و...) به روش تفسیری و اصولی تحلیل شده‌اند. دیگری که به سنت شهرت دارد، در حقیقت همان منبع حدیثی است که شامل روایات معصومان (علیهم‌السلام) در فقه شیعه و اقوال صحابه و تابعین در فقه اهل سنت. نویسندگان از منابع حدیثی اصلی چون «الکافی»، «تهذیب الأحکام»، «وسائل الشیعه»، «صالح سته» و دیگر منابع استفاده کرده است.

آثار فقهی فقهای برجسته امامیه مانند شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی، شهید اول و ثانی، محقق نراقی، امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای و دیگر فقهای معاصر و همچنین کتب فقهی اهل سنت مانند «المغنی» ابن قدامه، «المجموع» نووی، «بدائع الصنائع» کاسانی، «الام» شافعی و سایر منابع چهار مذهب از آن جمله محسوب می‌گردد.

در این دسته می‌توان از کتاب‌های مرتبط با فقه حکومتی، فقه رسانه، فقه فضای مجازی، مقالات پژوهشی منتشر شده در مجلات علمی - پژوهشی، گزارش‌های بین‌المللی درباره جنگ‌های سایبری، رسانه‌ای و فرهنگی برای تحلیل مصادیق معاصر بهره گرفته شده است.

۳-۳ موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری کرسی ترویجی بطور واضح و روشن بیان شود

این پژوهش با رویکردی نوین و جامع، نه تنها به بازخوانی مبانی سنتی جهاد در فقه اسلامی پرداخته بلکه تلاش کرده است با استفاده از روش‌شناسی تطبیقی، ابعاد گوناگون این موضوع را با مقتضیات دوران معاصر، نیازهای حکمرانی اسلامی، و تحولات حوزه‌های رسانه‌ای و سایبری تحلیل کند. در این نوشتار، مهم‌ترین نوآوری‌های علمی، روشی و موضوعی این کتاب در سه محور

اصلی ارائه می شود: نوآوری در مباحث نظری و مفهومی، نوآوری در ابعاد تطبیقی و مقارن، و نوآوری در پاسخ به نیازهای جدید عرصه های جهاد فرهنگی، رسانه ای و سایبری.

۳-۴ فرایند: فرایندی که در آن محتوای علمی حاصل شده است، شرح داده شود.

۱- مطالعه کتاب ها و مقالات

۲- فیش برداری

۳- ساماندهی

۴- دسته بندی مطالب و نظامند کردن آنها

۵- نگارش نهایی مقاله

۵-۴ منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

۱. القرآن الکریم

۲. الإمام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۸۵)، تحریر الوسیلة، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

۳. امام خمینی و سایر مراجع (بی تا)، رساله توضیح المسائل، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

۴. الامام الحسینی الخامنه ای، السید علی (۱۴۱۵) اجوبه الاستفتاءات، کویت: بی نا

۵. امام خامنه ای، سید علی (۱۳۹۸)، رساله آموزشی، تهران: فقه روز

۶. ابن جوزی (بی تا)، نواسخ القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه

۷. ابن شدقم، ضامن (۱۴۲۰)، وقعة الجمل، قم: السید تحسین آل شیبیب الموسوی

۸. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين

۹. ابن قدامه، (بی تا)، المغنی، بیروت: دار الکتب العربی

۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر

۱۱. اراکی، محسن (۱۴۰۳)، فقه فرهنگی، ج ۱، قم: اندیشه ناب ماندگار

۱۲. اکبری، کمال (۱۳۹۲)، درآمدی بر ارتباطات و اطلاعات در اسلام، قم: دانشکده و مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

۱۳. اکبری، کمال (۱۴۰۳)، سواد رسانه ای در عصر رسانه های نوین (ویژه امامان جماعت)، قم: دانشکده صدا و سیما قم

۱۴. آل عصفور، الشیخ حسین (بی تا) سداد العباد و رشاد العباد، بی جا: بی نا

۱۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم، قم: دار الکتب الإسلامیه

۱۶. البحرانی، الشیخ یوسف (بی تا)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، محقق محمد تقی الایروانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين

۱۷. بحرانی، عبدالله بن نور الله (۱۳۷۵)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم: مدرسه الأمام مهدی (عج)

۱۸. بروجردی، ناصر (۱۳۹۲)، مهندسی فرهنگی در کلام امام خامنه ای، تهران: انتشارات نسیم اندیشه

۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸م)، السنن، بیروت: دار احیاء التراث العربی



بِسْمِ اللَّهِ

از کرسی های نظریه پردازی، پژوهش و اندیشه

۲۰. جداولی، ابراهیم، شیروانی، مهدیه (۱۳۹۹)، راهبردهای رهبری، تهران: پرناک
۲۱. جصاص، احمدبن علی (۱۴۱۵)، احکام القرآن، بیروت: عبدالسلام محمدعلی شاهین
۲۲. جمعی از محققین (۱۳۹۲)، جهاد اقتصادی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
۲۳. الجوهري، أبو نصر (۱۴۰۷)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملايين، چاپ چهارم
۲۴. حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۱۸) ولایة الفقیه فی حکومت الاسلام، بیروت، دار الحجة البيضاء،
۲۵. الحلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵)، الجامع للشرایع، بی‌جا: مؤسسه سیدالشهداء (علیه السلام)
۲۶. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰) شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، بیروت، دار الفکر المعاصر،
۲۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان
۲۸. الخوئی، السید ابوالقاسم الموسوی (۱۴۰۱)، منهاج الصالحین، بی‌جا: مؤسسة الخوئی الإسلامية
۲۹. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث
۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دار القلم
۳۱. زبیدی، محب الدین (۱۴۱۴) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع،
۳۲. زحیلی، وهبه (۱۹۸۱)، آثار الحرب فی الفقه الإسلامی، دمشق: دار الفکر.
۳۳. سرخسی، حمد بن احمد شمس‌الائمه (۱۹۷۱)، شرح کتاب السیر الکبیر، قاهره: صلاح الدین منجد،
۳۴. شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۳)، الأم، بیروت: دارالمعرفة
۳۵. شروانی، عبدالحمید (۱۳۱۵)، حاشیة تحفة المحتاج، قاهره: المطبعة الحلیبة.
۳۶. شوکانی، محمد (بی‌تا)، نیل الاوطار: شرح منتقى الاخبار من احادیث سیدالاکابر، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفى البابي الحلبي (چاپ افست بیروت)
۳۷. الشهيد الأول، محمد بن مکى عاملی (۱۴۱۰)، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية، بیروت، دار التراث،
۳۸. الشهيد الأول، محمد بن مکى عاملی (۱۴۱۷)، الدروس الشرعية فی فقه الامامیه، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه
۳۹. الشهيد الأول، محمد بن مکى عاملی (۱۴۱۰)، اللمعة الدمشقية، بیروت: الدار الإسلامية
۴۰. الشهيد الثاني، زين الدين بن علي بن احمد عاملی جُبعی (بی‌تا)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، بی‌جا: مؤسسة المعارف الإسلامية
۴۱. الشهيد الثاني، زين الدين بن علي بن احمد عاملی جُبعی (۱۴۱۲)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، المحشّی سلطان العلماء، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۴۲. الشيخ حر العاملي، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث
۴۳. الشيخ حر العاملي، محمد بن حسن (۱۴۱۸)، الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (عليه السلام)
۴۴. الشيخ الصدوق، محمد بن علي بن بابويه القمي (۱۴۱۶)، الخصال، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين
۴۵. الشيخ الصدوق، محمد بن علي بن بابويه القمي (بی‌تا)، علل الشرايع، قم: کتابفروشی داوری
۴۶. الشيخ الصدوق، محمد بن علي بن بابويه القمي (۱۳۷۶)، الأمالی، تهران: کتابچی
۴۷. الشيخ الكليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافي، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۴۸. الشيخ المفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمة الله علیه
۴۹. الشيخ المفيد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد (۱۴۱۳)، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد
۵۰. الشيخ الطوسي، محمد بن حسن (۱۳۸۷) المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: چاپ محمدتقی کشفی



بِسْمِ اللَّهِ

از کرسی های نظریه پردازی، پژوهش‌های علمی و تخصصی

۵۱. الشیخ الطوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰)، الاقتصاد الهادی الى طریق الرشاد، تهران: بی‌نا
۵۲. الشیخ الطوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامية
۵۳. الشیخ الطوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰)، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت: دار الكتاب العربي
۵۴. صدر، سيد محمد (۱۴۲۰) ما وراء الفقه، بيروت: دارالأضواء للطباعة و النشر و التوزيع
۵۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
۵۶. طباطبائی، سيد محمدحسین (۱۴۱۷ق)، تفسير المیزان، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين
۵۷. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶)، مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی،
۵۸. الطوسي، ابن حمزة (۱۴۰۸)، الوسيلة، إشراف السيد محمود المرعشي، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمی المرعشي النجفي
۵۹. عاملی، یاسین عیسی (۱۴۱۳)، الاصطلاحات الفقهية فی الرسائل العملية، بيروت، دارالبلاغة للطباعة و النشر و التوزيع،
۶۰. العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن مطهر (۱۴۱۹)، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث
۶۱. العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن مطهر (۱۴۱۱)، الرسالة الفخرية في معرفة النية، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية
۶۲. العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن مطهر (۱۴۲۱)، منهاج الكرامة في معرفة الإمامة، بی‌جا: بی‌نا
۶۳. العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن مطهر (۱۴۱۳)، قواعد الأحكام، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين
۶۴. عمید زنجانی، عباس علی (۱۴۲۱)، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم،
۶۵. الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵)، کتاب العين، قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی،
۶۶. فراهانی، میرزا ابو القاسم قائم مقام بن میرزا عیسی سید الوزراء (۱۴۲۶) رساله جهادیه، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیه السلام)،
۶۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۸)، النخبة فی الحکمة العملية و الأحکام الشرعية، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی،
۶۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، الوافي، إصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين علی (عليه السلام) العامة
۶۹. القرضاوی، يوسف (۱۹۹۷)، فقه الجهاد، قاهره: مكتبة وهبة.
۷۰. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵)، الجامع لاحکام القرآن، بيروت: دار إحياء التراث العربي
۷۱. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲)، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، قم: بوستان کتاب
۷۲. مجلسی اول، محمد تقی (۱۴۱۴)، لوامع صاحبقرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان،
۷۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت: إحياء التراث العربي
۷۴. مجموعة من المؤلفين، المعجم الوسيط. (۲۰۰۴)، قاهره: مجمع اللغة العربية.
۷۵. المحمدي الري شهري، الشيخ محمد (بی‌تا)، میزان الحکمة، بی‌جا: بی‌نا
۷۶. مطيعی، محمد نجيب (بی‌تا)، التكملة الثانية در المجموع، بيروت: دار الفكر.
۷۷. نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۴۲۴) تنبيه الأمة و تنزيه الملة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،
۷۸. النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن (۱۹۸۱)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام بيروت: دار إحياء التراث العربي
۷۹. نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی-امنیتی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهشهای مدیریت

۸۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث
۸۱. الواحدي، أبي الحسن علي بن أحمد (۱۴۱۱)، أسباب نزول القرآن، المحقق کمال بسيوني زغلول، بیروت: دار الكتب العلمیة
۸۲. ورام، مسعود بن عیسی (بی تا)، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، بیروت: دارالصعب
۸۳. وینر، نوربرت (۱۳۷۲)، استفاده انسانی از انسانها، ترجمه مرداد ارجمند، تهران: جامعه و اقتصاد
۸۴. هیکل، محمد خیر (۱۴۱۷)، الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه، بیروت: دارالبیارق
۸۵. یزدان پناه، سید یدالله (۱۴۰۱)، چیستی و نحوه وجود فرهنگی، قم: کتاب فردا.